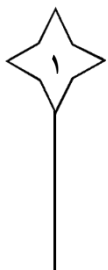


نقش اساسی زنان در تحقق اهداف مقاومت در اندیشه‌های راهبردی امامین انقلاب اسلامی (تفکر توحیدی، نفی استضعاف و مبنای مقاومت)

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا؛ و چرا (ای مومنین) در راه خدا، و در حمایت از مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید؟! همان افراد (ستم‌دیده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر! و از طرف خود، برای ما سرپرستی قرار ده؛ و از جانب خود، یار و یابری برای ما تعیین فرما!» (نساء، ۷۵)

عوامل استکبار بعد از این حوادث (سوریه) اظهار خوشحالی می‌کنند، به خیال این که با سقوط دولت سوریه که طرفدار مقاومت بود، جبهه مقاومت دیگر ضعیف شده است. به نظر بنده این‌ها سخت در اشتباه هستند. جبهه مقاومت گسترده‌تر، ایران قوی مقتدرتر، جبهه مقاومت یک سخت‌افزار نیست که بشکند یا از هم فرو بریزد یا نابود شود. مقاومت یک ایمان است، یک تفکراست، یک تصمیم قلبی و قطعی است. مقاومت یک مکتب است، یک مکتب اعتقادی است، انگیزه افراد جبهه مقاومت و عناصر جبهه مقاومت با دیدن خباثت‌ها قوی‌تر می‌شود دامنه مقاومت گسترده‌تر می‌شود. مقاومت این جور است. مصیبتی که بر حزب‌الله وارد شد شوخی بود؟ کسی مثل «سید حسن نصرالله» را حزب‌الله از دست داد؛ این چیز کمی بود؟ حملات حزب‌الله، قدرت حزب‌الله، مشت محکم حزب‌الله بعد از این بیشتر از قبل شد.



این را دشمن هم فهمید و قبول کرد. حزب الله ایستاد، با کمال قدرت کاری کرد که خود آن‌ها آمدند گفتند آتش بس! مقاومت این است.

غزه را ببینید؛ الان یک سال و چند ماه است که غزه را دارند بمباران می‌کنند، افراد برجسته غزه همانند «یحیی سنوار» را شهید کردند. این ضربه‌ها را وارد کردند، در عین حال مردم ایستاده‌اند و من به شما عرض می‌کنم به حول و قوه الهی گستره مقاومت بیش از گذشته تمام منطقه را فرا خواهد گرفت... من عرض می‌کنم که به حول و قوه الهی، باذن الله تعالی، ایران قوی مقتدر!

اگر دستگاه خلقت پیام موحدین و انبیا و اولیای الهی را در یک جمله بخواهد به گوش جهانیان برساند و خفتگان و بی‌خبران را از خواب غفلت بیدار نماید، تا شور ثور و انقلاب را درک و برپا کنند، اگر از آزادگان و اندیشمندان دردمند جهان بیرسند رمز عزت و عظمت ملت‌ها در چیست؟ آیا جز پیام مقاومت مستضعفین در برابر مستکبرین چیزی ارایه می‌نمایند؟ و اگر اکنون دردمندانه بخواهیم به صدای ملت‌ها و آوای فطرت آنان در طول مسیر تاریخ گوش فرا دهیم، یا بخواهیم فریاد مستضعفین و ستم‌دیدگان را به دیگران برسانیم و بالاخره در معرکه کنونی و سلطه‌جویی کفر و صهیونیسم عنود، موأخذه مردم غزه و اطفال بیگناه آن را - که هنوز چشم به دنیا باز نکرده طعم تلخ جنایات ظالمین و مستکبرین را باید بچشند- به جهان ابلاغ نماییم، آیا غیر فریاد مقاومت و مقابله با ظلم سخن دیگری به گوش می‌رسد؟

اکنون باید غیرتمندان ملل و اقوام، قلم به دستان توانا و صادق، هنرمندان بیدار دل، تاریخ نویسان به دور از اغماض و تحریف و بالاخره راست قامتان مقاومت، معرکه نابرابر عصر کنونی را که همراه با آخرین مدل جنایات مدرن و رنگین‌سازی زمین به گلگونی خون زنان و کودکان معصوم است، با تمام توان هنرترسیم و چهره مقاومت را تبیین نمایند و بر بازتاب آثار جهانی آن همت گمارند. این امر چه در تحقق و چه در ترسیم جز با اور توحیدی و منطقی و حیانی قابل توصیف نیست.

آری تأمل در آیاتی چون: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۲۴۹)؛ دلیل روشنی بر این مدعاست. این گونه آیات تأثیر کمی مؤونه را در مقابله عزت مدارانه، بر تسلیم ذلت مدارانه به خوبی ترسیم می کند.

اکنون این سؤال مطرح است که: دلیل این امر در تفکر توحیدی چیست؟ یقیناً بایستی باور داشت که سامانه خلقت باید قدرت و قلم حکمت و منطق عدالت رقم خورده و اگر جن و انس دست در دست هم دهند و بخواهند قوانین و سنت های الهی را وارونه کنند هرگز نتوانند آری قضیه: «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ» (یس، ۸۲ و ۸۳) تذکر این منطق توحیدی است. اراده او بر این تعلق گرفته که زمین جایگاه صالحان و مصلحان است نه مفسدان و ظالمان. این را کراراً انبیا گوشزد کرده اند که «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیا، ۱۰۵)

در منطق وحی کراراً به (جنگ نرم و گرم اراده ها) یعنی تقابل اراده انسان های کافر و معاند و به ویژه فراعنه با اراده الهی تصریح می نماید که از آن جمله: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف، ۸) در این گونه آیات ناتوانی و عجز اراده بشر در مقابله با اراده الهی را بیان می کند. و صراحتاً غلبه حق بر باطل را گوشزد و نور الهی را غالب و تلاش بشر فرو رفته در ظلمت را محکوم به نابودی و زهوق می شمارد. مسأله طرح کبرای کلی «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» و مسأله «كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ» (رعد، ۱۶)

برای چیست؟ و ده ها مسأله دیگر که تنبه و بیداری جامعه بشری را مطالبه می کند. این مسأله عبرت آور بایستی در جان انسان ها عجین و یقینی شود. باور سنت های الهی خود امری است رسیدنی که بشر بایستی به این امر توجه تام نماید.

نکته قابل توجه آن است که؛ لازم است اذعان نمود که ظلم ستیزی و فریاد مقاومت اختصاص به اسلام یا اندیشمند اسلامی ندارد. این همان فریاد وجدان بشری است که در کلام خالق خلقت و بدیع فطرت آمده و آن همان منطق رشید قرآن کریم است که: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۵۶) تصریح بر این امر که؛ مسیر رشد و پویایی و حیات عزت مدار از مسیر ذلت تمکین سلطه و استکبار طواغیت جدا و برای همه جهانیان روشن است. یعنی این امر از بدیهیات و واضحات زندگی انسانی فارغ از ملیت و قومیت و فرهنگ منطقه‌ای حتی دین است، چون قرآن زبان جهانی و منطق جامع انسانی دارد. بر همین اساس قرآن کریم در این کریمه به دنبال اثبات شیوه مقاومت نیست، بلکه در صدد تبیین نتیجه است، بدین معنا که مسیر اندیشه توحیدی از گذرگاه پشت به طاغوت و تخلیه ذهن از هرگونه وابستگی و دلبستگی به طاغوت می‌گذرد. اول عرصه اندیشه بایستی از آلودگی پاک گردد تا عرصه انگیزه، ایمان و اندیشه توحیدی قوام یابد.

اکنون سؤال این است که چرا با قوام این اندیشه در بلاد اسلامی چرا امروز دنیای اسلام با این مشکلات عظیم و جانکاه روبه روست؟ امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) از همان روزهای اول انقلاب مسأله فلسطین و آزادی قدس شریف را یک درد جهانی و برای عالم اسلام یک وظیفه مقابله همگانی می‌شمردند. تأسیس روز قدس و فراخوانی ملل اسلامی برای دفاع از ملت فلسطین و دفع این غده سرطانی از مهم‌ترین‌ها عالم اسلام بود.

ایشان در پیام روز قدس در ۴۲ سال قبل می‌فرماید: «مسئله قدس یک مسئله شخصی نیست، و یک مسأله مخصوص به یک کشور و یا یک مسأله مخصوص به مسلمین جهان در عصر حاضر نیست، بلکه حادثه‌ای است برای موحدین جهان و مؤمنان اعصار گذشته و حال و آینده، از روزی که مسجدالاقصی پی‌ریزی شد تا آنگاه که این سیاره در نظام هستی در گردش است، و چه دردناک است برای مسلمانان جهان در عصر حاضر که با داشتن آن همه امکانات مادی و معنوی، در مرئی و منظر آنان به پیشگاه خداوند متعال و رسولان عالی‌قدرش این چنین جسارت واقع شود، آن هم از یک مشت اوباش جنایتکار، و چه ننگ

است برای دولت‌های اسلامی که با در دست داشتن شریان حیاتی ابرقدرت‌های جهان بنشینند و تماشاگر باشند که آمریکا ابرجنایتکار تاریخ، یک عنصر فاسد بی‌ارزش را در مقابل آنان علم کند و با عده‌ای ناچیز عبادتگاه مقدس و قبله‌گاه اول آنان را از آنان غصب نموده و با کمال وقاحت در مقابل همه آنان قدرت نمایی کند، و چه شرم آور است سکوت در مقابل این فاجعه بزرگ تاریخ، و چه زیبا بود که بلندگوهای مسجداقصی از همان روز که اسرائیل این عنصر خبیث دست به کار این جنایت عظیم شده بود، به صدا در می‌آید. اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی و با آوای الهی از معراجگاه رسول ختمی (صلی الله علیه و آله وسلم) خروش برآورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده‌اند... امید است خداوند منان بر بشر منت فرموده و وعده قرآنی خود را هر چه زودتر انجاز فرماید و مستضعفان جهان را بر مستکبران غلبه دهد. درود بر قدس و مسجدالاقصی! درود بر ملت‌های به پا خواسته در مقابل اسرائیل و درود بر مسلمانان و مستضعفان جهان! (صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۹۰) و این پیام بنیانگذار نظام اسلامی در سال ۱۳۶۱ است.

در اندیشه مردان الهی ایستادگی از کمترین تعداد، اما بیشترین مقاومت آغاز می‌شود. لذا خمینی کبیر (رحمت الله علیه) آغاز حرکت مبارزه خود را با «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفَرْدِي ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ (سبا، ۴۶) آغاز نمود. ایشان باور داشت که: چه بسا عده اندکی که درد تحقق عدالت و نفی استضعاف دارند و اندیشه و انگیزه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا» (فصلت، ۳۰) دارند، بر عده کثیر و اهل باطل غلبه خواهند نمود. در نظام فکری ابراهیم گونه زمان ما بنیانگذار انقلاب اسلامی خمینی کبیر که جهانی را با فریادش از خفتگی بیدار نمود، تحقق گفتمان و حیانی مذکور از عمده‌ترین وظایف متفکر و فقیه مسلمان است.

تفکر کلامی و دیدگاه‌های فقهی و اصلاحی ایشان در عرصه تحولات اجتماعی آمیزه‌هایی از دیانت همراه با سیاست مقاومت و عزت آفرینی است.

ایشان از اهم وظایف فقیه مسأله تأسیس حکومت و حفظ نظام را از اوجب واجبات برای امت اسلامی می‌شمردند. امر افتاء در دیدگاه امام (رحمت‌الله‌علیه) مرتبه سوم از رسالت فقیه قرار دارد و وابستگی و رجوع به حکام جور در دعاوی ممنوع و مصداق سحت منبعث از فقه جعفری می‌شمردند. ایشان در کتاب «البيع» بر این امر تصریح می‌فرماید که: «الاسلام هو الحکومه بشئونها. والاحکام قوانین الاسلام و هی شان من شئونها. بل الاحکام مطلوبات بالعرض و امور آلیه لاجرائها و بسط العداله، فکون الفقیه حصنا للاسلام کحصن سور المدینه له الا کونه والیا له... من الولایه علی جمیع الامور السلطانیه (ر.ک: کتاب البيع، ج ۲، ص ۴۷۰-۴۸۰) ایشان در همین کتاب می‌فرماید: «از واضحات مذهب تشیع آن است که امام معصوم حجت خدا و عبارت اخیری از منصب الهی و ولایت او بر امت اسلامی در تمامی شئون است».

همچنان که در کتاب مکاسب با استواری تمام بر تدارک واجبات نظامیه و تعلق اجرت بر آن فتوی می‌دهند. نه اینکه چون واجب است اجرت به آن تعلق نمی‌گیرد. بر همین اساس بر وجوب حفظ نظام و حرمت اخلال به آن نظر صریح می‌دهند. (ر.ک: المكاسب المحرمه، ج ۲، ص ۳۰۴)

همچنین در کتاب «ولایت فقیه»، و کتاب «البيع فقیهان» را امینان مرام انبیاء در روی زمین می‌شمارند مادامی که در منش و روش سالک مسیر انبیا هستند، که خالی از تعلقات دنیایی است. یعنی رسالت فقیه در جامعه اسلامی تحقق جامع اهداف انبیا و تأسیس حکومت و مقابله با حاکمیت طاغوت است. تفکر مقاومتی ایشان نه تنها در تئوری ولایت فقیه که حتی در تبیین «قواعد فقه» این تفکر به خوبی نمایان بود. در قاعده لاضرر ایشان در میان ادله (لاضرر) به آیه تخریب مسجد ضرار و حکم حکومتی پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) تصریح و نظارت بر امور جمعی مسلمین را وظیفه، و ضرر و ضرار را ضرر فردی صرف نمی‌شمارند. بلکه اگر از مسجد به عنوان ابزاری برای توسعه تفکر کفر و تفرقه و باز کردن جای پای دشمن باشد که موجبات ضرر جمعی و معاندت با تحقق احکام اسلامی باشد، بایستی ولی فقیه بنابر رسالت حفاظت از نظام و



تصریح آیه: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ» (توبه، ۱۰۷).

از هر گونه اختلال و رد پای کفر و نفاق در نظام جلوگیری نماید. از سویی وقتی از قاعده نفی سیل از سوی کفار سخن می گوید، در تبیین این قاعده می فرماید: خداوند در عالم تکوین هم سلطه را برای کافر قرار نداده، و بر همین اساس مقابله با سلطه و مقاومت در برابر آنان یک فریضه اسلامی است.

ایشان در طول مبارزات خود علیه جهان استکبار نه تنها براهیت مسأله فلسطین تأکید و وجوب دفاع و حمایت را بر همه جهان اسلام لازم می شمردند، بلکه در صدد ایجاد یک نهضت تحولی و فکری در جهان بودند و روشنگری افکار درتوده های مردمی اعم از زنان و مردان بودند، تا آنجا که در تمامی خطابات بین المللی بر بیداری ملت ها تأکید داشتند. در پیام ایشان به کنگره بین المللی حج این گونه است:

«هان ای مسلمانان جهان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران به پا خیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران است»^۱.
همچنان که در طول دوران تبعید نمایندگانی از سوی خود به اقصی نقاط فرستاده و این خطر مهلک را برای جهان اسلام بازگو می کردند.

انتظار ایشان از جهان اسلام در بیاناتشان این بود که؛ «تمام مسلمین عالم در هر جای دنیا که هستند نسبت به قضیه ی فلسطین باید احساس مسؤولیت کنند. کسانی که در داخل و یا از خارج، واقعاً با حکومت غاصب صهیونیست در جنگند - نه مدعیان آزادی خواهی که دستشان در دست آمریکا و دشمنان اسلام است - باید از طرف ملت و دولت ما و ملت ها و دولت های مسلمان دیگر با پول و سلاح و تبلیغات کمک بشوند، هر طوری که امروز ممکن است، باید کمک بشوند.

^۱ پیام امام خمینی (رحمت الله علیه) به زائرین حج بیت الله الحرام در سال ۶۰.

ما چون خودمان با فلسطین همسایه نیستیم تا مبارزه‌ی رویارویی با اشغالگران، بکنیم و دیگرانی که یا همسایه نیستند، یا به هر دلیلی توانایش را ندارند باید مبارزان را تجهیز کنند، این یک وظیفه‌ی شرعی و حتمی برای همه مسلمانان است». این تفکر در شاگردان ایشان نیز چون شهید مطهری و بهشتی‌ها و سید علی‌ها تداوم و به نصرالله‌ها و سلیمانی‌ها و نیلفرشان‌ها و بابایی‌ها می‌انجامد.

از سوی دیگر حرکت امام خمینی (رحمت الله علیه) و انقلاب اسلامی موجباتی را برای وحدت و همدلی و بیداری اسلامی فراهم ساخت که نمادی از آن هم در حرکت توده‌های مردم و هم در تلاش اندیشمندان مسلمان آشکار گردید. به‌ویژه در منطقه جبل عامل و عراق و ایران و شاخ آفریقا تحرک خاصی آشکار و فقیهان احیاگر فرهنگ تحول و مقاومت که دیانت آنان عین سیاست برخاسته از اندیشه دینی بود.

جنبش‌های مردمی را هدایت و حمایت و آثار فراوانی در منطقه و جهان به جا گذاشتند. مثل حرکت امام موسی صدر و شهید چمران در لبنان و شهید محمد باقر صدر و خواهر مجاهد و مقاوم او شهیده بنت الهدی صدر.

این تحرکات در منطقه خاورمیانه کم کم جبهه مقاومت و حزب الله را تقویت و زمینه را برای مقابله با اشغالگران صهیونیست و حامیان‌شان شدت بخشید، و طوفان الاقصی حاصل همین اندیشه و تلاش بود.

این حرکت‌ها علاوه بر تحولاتی اساسی و مبارزاتی در مقابله جبهه ایمان و کفر، زمینه حرکتی نمادین در عرصه زنان و رشد سیاسی و مبارزاتی آنان بگردید و روز به روز بر گرمی و قدرت معنوی و توان ظاهری آنان افزود و جهاد جبهه حزب الله و غزه حاصل همین حرکت بود.

نظریه صریح امام خمینی (رحمت الله علیه) در وجوب دفاع بر زنان و ترغیب ایشان در تظاهرات قبل انقلاب و بعد آن، ابتدا مبداء تحول و بروز فعالیت‌های زنان در درون انقلاب و مقابله و مقاومت جدی را با نظام سلطه فراهم و ارتش بیست میلیونی از توده‌های مردمی از زنان، حاصل همین امر و تشکیل و خدمات متعددی از سوی بانوان در جبهه و پشت جبهه

شکل گرفت و سپس به الگویی برای جهان اسلام و انسان‌های آزاده مبدل شد.

ایشان در کتاب «الدفاع تحریر الوسیله» فرمود: دفاع بر دو قسم است یکی دفاع از کیان اسلام و حریم آن و دوم؛ دفاع از نفس مال و ناموس؛ ایشان در بخش اول فرمود: اگر بلاد مسلمین و مرزهای آنان را دشمن مورد تعدی قرار دهد به گونه‌ای که خوف بر کیان و یکپارچگی مسلمین برود واجب است، بر همه آنان دفاع از این حریم به هر وسیله ممکن از بذل اموال و نفوس در این جا این دفاع مشروط به حضور امام و اذن او نیست و حتی اذن نایب خاص یا عام. سپس ایشان می‌گوید: «فیجب الدفاع علی کل مکلف بأیه وسیله بلا قید و شرط» (خمینی، ۱۳۹۰ق، الجزء الاول، ج ۱، ص ۴۸۵). ایشان همچنین در دفاع جمعی که از ضرورت‌های دنیای کنونی اسلام است می‌گوید: «لو خیف علی إحدى الدول الاسلامیه من هجمه الاجانب یجب علی جمیع الدول الاسلامیه الدفاع عنها بأی وسیله ممکنه کما یجب علی سائر المسلمین» (خمینی، ۱۳۹۰ق، الجزء الاول، ج ۱، ص ۴۸۶). اگر یکی از دولت‌های اسلامی مورد هجمه اجانب قرار گیرد و یا خوف تجاوز به آن‌ها برود بر همه دولت‌های مسلمان دفاع از آنها به هر وسیله ممکن واجب است همچنان که بر ملت‌ها نیز این چنین است. مضاف بر آن که فقیهان دفاع انسان‌ها را از خویشتن نیز از واجبات شمرده‌اند چنانچه محقق در شرایع چنین می‌گوید: «للإنسان أن يدفع عن نفسه و حریمه و ماله ما استطاع و یجب اعتماد الاسهل» (محقق، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۶). حاصل این حرکت سیاسی و فقهی حضور جدی زنان در جبهه مقاومت و حتی تشکل‌های زنانه در عرصه مقاومت بود. اکنون حرکت پیروز مندانه زنان مسلمان در عرصه مقاومت در تاریخ معاصر بی‌بدیل است.

آری این مرام انقلابی بنیانگذار نهضت اسلامی در ایران، در تداوم اندیشه و راه ایشان، از سوی رهبری حکیمانه مقام معظم (حفظه الله تعالی)، شاکله جامع‌تری را در باب مسائل زنان فراهم ساخت. ایشان در چند دهه اخیر اقدامات و تأملات بسیار مهم و جدی را درباره زنان هم به مسئولین و هم به خود ایشان گوشزد و مطالبه جدی می‌نمودند.

از دیدگاه ایشان وضعیت موجود اصلاً متناسب با موقعیت زنان نیست. در تعبیری در این زمینه می‌فرماید: «زن در جامعه ما نه از لحاظ حقوق اجتماعی و نه از لحاظ تمکن و

قدرت تصرف فردی، نه از لحاظ قوانینی که با او ارتباط پیدا می‌کند، هنوز در آن سطح وسیعی که اسلام خواسته است قرار ندارد. (ر.ک: خامنه‌ای، زن ریحانه آفرینش)

ایشان در تداوم مسیر مقاومت حرکت امام «(رحمت الله علیه) پیوسته تصریح داشتند که «بر کمک همه جانبه به مردم فلسطین و حمایت کامل از آنان واجب کفائی بر همه‌ی مسلمانان است دولت‌هایی که به جمهوری اسلامی ایران و برخی دیگر از کشورهای مسلمان بخاطر کمک به فلسطین خرده می‌گیرند، خود متحمل این کمک و حمایت شوند تا تکلیف اسلامی از دیگران ساقط شود، و اگر همت و توان و شجاعت آن را ندارند بهتر است به جای خرده‌گیری و کارشکنی، قدرشناس قدرشناس اقدامات مسئولانه و شجاعانه‌ی دیگران باشند. (بیانات آیت الله خامنه‌ای؛ ۱۳۸۷/۱۲/۱۴)

ایشان درباره‌ی اهتمام امام بر تعیین روز قدس از می‌فرماید: «روز جهانی قدس، ابتکار و یادگار ماندگار بنیانگذار فقید انقلاب اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) است و امسال، با حملات بی‌رحمانه و نسل‌کشی رژیم اشغالگر قدس علیه مردم مظلوم و روزه‌دار غزه‌ی مصادف شده‌است. زخم کهنه‌ی اشغال فلسطین در شرایطی سرباز کرده که مجامع بین‌المللی، مدعیان حقوق بشر و رسانه‌های غربی در مقابل این جنایات سکوت کرده‌اند و البته سکوت سران عرب در برابر کشتار ملت فلسطین تلخ‌تر و خفت‌بارتر است». ایشان در گفتمان‌های متعدد بر این امر باور داشتند که: «مقاومت، واکنش طبیعی هر ملت آزاده و باشرف در مقابل تحمیل و زورگویی است؛ هر ملتی که برای شرف خود، برای هویت خود، برای انسانیت خود ارزش قائل است، وقتی ببیند یک چیزی را می‌خواهند به او تحمیل بکنند، مقاومت می‌کند، امتناع می‌کند، ایستادگی می‌کند؛ خود این، یک دلیل مستقل و قانع‌کننده است». (بیانات آیت الله خامنه‌ای؛ ۱۳۹۸/۳/۱۳)

همچنین باور ایشان است که:

«هزینه تسلیم در مقابل دشمن بیشتر است از هزینه مقاومت... هزینه مادی هم دارد، هزینه معنوی هم دارد». به عنوان نمونه: «رژیم پهلوی در مقابل آمریکا تسلیم بود... هم باج



می داد، هم توسری می خورد! امروز دولت سعودی هم همین جور است؛ هم پول می دهد، هم دلار می دهد، به او می گویند «گاو شیرده»! (بیانات آیت الله خامنه ای؛ ۱۴۰۱/۳/۷)

از سوی دیگر دغدغه مندی ایشان - همان گونه که اشاره رفت - نسبت به مسائل زنان در نوع خود بی بدیل است. ایشان در پیام خود به سمیناری که حدود ۲۸ سال قبل در مشهد برای حل مسائل فقهی، پزشکی، تشکیل می گردد؛ اینگونه می فرماید: «... به نظر من احکام مخصوص زنان را مردها درست نمی توانند تنقیح کنند، برای تنقیح درست مسائل زنان باید پزشکان متخصص زن، موضوع را برای فقههای زن تشریح نمایند و این طور به نظر می رسد که فتوای زن، حداقل در این مورد برای زن، حجت باشد.» (ر.ک: کتاب نقد شماره ۲) تأسیس دفتر پاسخگویی زنان در بیت ایشان به دستور صریح ایشان در ۲۳ سال قبل، تأکید فراوان در اجتهاد زنان، امر به تشکیل مجمع فراقوای، تشویق زنان به امور مهمه مرتبط با آنان در عین مدیریت خانواده و تربیت فرزندان و رهنمونی همسران و تقریظ مکرر کتاب های نوشته از سوی زنان و خانواده های شهیدان، پیام ایشان در کنگره نشست زنان شهیدان در سال ۱۳۹۰ و تأکید بر الگوی سوم و طراحی آن برای زنان جهان. دیدار صمیمی ایشان و بیان اهمیت جایگاه همسران شهدا در تداوم راه آنان و... بیانگر نگاه کلامی و اندیشمندانه ایشان به جایگاه زن و نقش بی بدیل اوست.

گفتمان هایی مؤکد از این مقوله: «به نظر من بزرگ ترین مقصر در این قضیه خود خانم ها هستند، یعنی خانم های باسواد و تحصیل کرده، خانم های اهل معرفت که باید وارد یک میدان مبارزه صحیح برای مسأله زن بشوند، به نظر من کوتاهی می کنند، کار را دست عامی، بی اطلاع و احیاناً کسانی که دلشان می خواهد فقط حرف بزنند، رها کنند، این درست نیست. باید کار، صحیح و دست افراد سنجیده، عاقل و حکیم بیافتد.» (بانکی پور، زن از دیدگاه رهبری، ص ۱۰۸)

از سوی دیگر درباره مظلوم مردانه در خانواده «مرد به خاطر اینکه قدرتمند و قوی بوده زور گفته و ظلم کرده و زن یک ستم تاریخی دارد. - التفات کنید - قضیه، قضیه مبارزه با یک ستم تاریخی است. لذا اگر این مبارزه با عجله، با خام نگر، بدون تعمق و بدون

ملاحظه این که می‌خواهیم چکار بکنیم، انجام بگیرد بدون شک مبارزه را عقب خواهد انداخت. پیروزی این مبارزه را عقب خواهد انداخت. لذا باید خیلی با پختگی منتهی دائم باید کار بشود» و بالاخره نقش زنان در پیروزی و مقاومت چه در جنگ هشت ساله و چه در نبرد دلخراش مردم مظلوم غزه گفتمان‌ها و پیام‌های ایشان پیوسته مشوق زنان مسلمان و نیز غیر مسلمان بود مثل: «...ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانم‌ها اگر از مردها بیشتر نبود، کمتر نبود.

اگر زن‌ها حماسه جنگ را نمی‌سرودند و جنگ را در میان خانه‌ها به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردها اراده و انگیزه رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند. البته نحوه عملکرد مادران ایرانی در تربیت فرزندان با ایمان، تشکیل هسته‌های مقاومت و پشتیبانی و ... در پیروزی انقلاب و دفاع مقدس، نشان‌دهنده الگوبرداری این بانوان از شیوه زندگی حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) و زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) است.

حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) به عنوان اسوه ایثار و مقاومت، همواره حق‌طلبی را بر نادیده گرفتن، تحرک را بر درجا زدن و مبارزه در برابر باطل را بر سکوت ترجیح دادند و تاریخ رفتار سیاسی آن حضرت چنان بر جهان اسلام تأثیر داشت که جریان انحرافی اموی نتوانست به اهدافش - تغییر ماهیت قرآن و اسلام - برسد. حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) نیز با حضور در کربلا علیه ظلم و ستم مبارزه کرد و روحیه ظلم‌ستیزی و حق‌مداری را در تاریخ نهادینه نمود».

اکنون این حرکت بایستی با تمام همت و عزت و کرامت ادامه یابد تا زمینه ظهور عدالت در جهان فراهم آید.

عزت السادات میرخانی